



إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ
 خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٣٨﴾ أُوذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ
 وَأَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ
 دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ۗ وَلَا دَفَعُ اللَّهُ
 النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ
 وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ
 اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾ الَّذِينَ إِنْ
 مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا
 بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ
 ﴿٤١﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ
 عَادٌ وَثَمُودٌ ﴿٤٢﴾ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ﴿٤٣﴾ وَأَصْحَابُ
 مَدْيَنَ ۗ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ
 فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ
 هِيَ ظَالِمَةٌ فَمَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْسَ مُعْطَلَةٌ وَ
 قَصْرٍ مَشِيدٍ ﴿٤٥﴾

به یقین، خدا از آنان که ایمان آورده اند دفاع می کند، البته خدا هیچ خیانت پیشه ناسپاسی را دوست نمی دارد ﴿۳۸﴾

به کسانی که مورد هجوم قرار گرفته اند، اجازه [جهاد] داده شده است، زیرا بر آنان ستم رفته است، و قطعاً خدا بر یاری آنان تواناست ﴿۳۹﴾

همانان که به ناحق از خانه هایشان بیرون رانده شده اند (و جرمی نداشتند) جز آنکه می گفتند: پروردگار ما خداست. و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، دیرها و کلیساها و معبدهای یهود و مساجدی که در آنها بسیار یاد خدا می شود، سخت ویران می شدند. و قطعاً خدا کسانی را که او را یاری کنند یاری می کند، بی تردید خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است ﴿۴۰﴾

همانان که اگر در زمین به آنان فرمانروایی دهیم، نماز بر یا می دارند و زکات می دهند و (مردم را) به کارهای پسندیده وا می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام کارها فقط در اختیار خداست ﴿۴۱﴾

و اگر تو را تکذیب کنند (امر تازه ای نیست)، پیش از آنان، قوم نوح و عاد و ثمود (هم پیامبران خود را) تکذیب کردند ﴿۴۲﴾

و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط ﴿۴۳﴾ و [همچنین] اهل مدین؛ و موسی [نیز] تکذیب شد، پس به کافران مهلت دادم، سپس آنان را [به کیفر] گرفتم. پس [بنگر که] انتقام [و عذاب] من چگونه بود؟ ﴿۴۴﴾

و چه بسیار شهرهایی را که [مردم آنها] ستمکار بودند هلاک کردیم، و [اینک دیوارهای] آنها بر سقف هایشان فروریخته است؛ و [چه بسیار] جاه های رها شده و کاخ های برافراشته [که صاحبانشان هلاک شده اند] ﴿۴۵﴾

عصر شکوفایی

درس یازدهم

ما در درس گذشته، با برخی از معیارهای تمدن موردنظر اسلام آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم ببینیم نیاکان ما برای تحقق این معیارها چقدر تلاش کرده‌اند و تا چه اندازه موفق شده‌اند و از این تلاش چه درس‌هایی برای امروز خود می‌توانیم بگیریم؟

اوضاع اجتماعی و فرهنگی پیش از اسلام

قبل از ورود به دوره تمدن اسلامی، نگاهی به اوضاع قبل از اسلام می‌اندازیم تا بدانیم که مسلمانان از چه نقطه‌ای حرکت کرده و به چه نقطه‌ای رسیده‌اند و آن را چراغ راه آینده قرار دهیم.

امیر مؤمنان علی علیه السلام از آن ایام این‌گونه یاد می‌کند:

«خداوند رسول خویش، محمد صلی الله علیه و آله، را زمانی فرستاد که مدتی از بعثت پیامبران پیشین می‌گذشت.

ملت‌ها در خوابی عمیق فرورفته و فتنه و فساد، جهان را فراگرفته بود. رشته‌ها از هم گسیخته و آتش جنگ، زبانه می‌کشید.»^۱

«مردم آن زمانه، مذاهب پراکنده و خواسته‌های متناقض و روش‌های متفاوت داشتند. برخی خدا را

شبیه سایر مخلوقات می‌دانستند و برخی نیز غیر او را پرستش می‌کردند.»^۲

«مردم از شیطان اطاعت می‌کردند و در راه او گام برمی‌داشتند. علم‌های شیطان توسط این مردم

به حرکت درآمده و پرچمش در فتنه‌هایی که شیطان، مردم را از طریق آن زیر باهایش می‌کوفت و زیر

سم‌هایش لگدمال می‌کرد، برافراشته شده بود.»^۳

«شما مردم در آن زمان بدترین کیش و آیین را داشتید. در میان سنگ‌های سخت و مارهای زهرآلود

زندگی می‌کردید، آب تیره می‌نوشیدید، غذای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را می‌ریختید و از

خویشان می‌پریدید. بت‌ها در میان شما جای داشت و گناه، شما را فراگرفته بود.»^۴

بسیاری از مردم، داشتن دختر را ننگ می‌شمردند و وقتی به آنها خبر می‌دادند که خداوند دختری

به آنها بخشیده، خشمگین می‌شدند.^۵ در داخل قبایل، غارت اموال، دزدی، برده‌داری، قمار، ربا و

داد و ستدهای نادرست رواج داشت. کعبه مرکز بت‌های مختلف شده بود. بسیاری نیز به پرستش

ارواح و ماه و ستارگان مشغول بودند.

خارج از شبه جزیره عربستان نیز، جهان آن روز آمیزه‌ای از تهی‌دستی، شلاق خوردن و سوختن

محرومان، اندیشه‌های خشکیده و غرض‌آلود کشیشان و کاهنان و موبدان و تجمل‌پرستی درباریان

بود. خسرو پرویز، پادشاه ایران در زمان طلوع اسلام خود را آدمی فناپذیر از میان خدایان و خدایی

بسیار جلیل در میان مردمان می‌شمرد.^۶ در پادشاهی ساسانی حدود یک‌درصد کل جمعیت آن روز

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۹

۲- همان، خطبه ۱

۳- همان، خطبه ۲

۴- همان، خطبه ۲۶

۵- سوره نحل، ۵۸

۶- ایرانیان در زمان ساسانیان، کرستن سن، ترجمه رشید یاسمی، ص ۶۴۸

ایران، همه چیز را در اختیار داشتند و بقیه مردم چون بردگان از حقوق اولیه و اساسی خویش محروم بودند.^۱

دانش تکمیلی

برای آشنایی با برخی از نمونه‌های تبعیض در دوران ساسانیان به سایت گروه قرآن و معارف اسلامی به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

بیشتر بدانیم

حکیم ابوالقاسم فردوسی، نظام طبقاتی آن روز جامعه ایران را با ذکر یک داستان به خوبی ترسیم می‌کند. در زمان حکومت انوشیروان که جنگی میان ایران و روم پیش آمده بود و ذخیره مالی حکومت تمام شده بود، مأموران دولت به شهرهای مختلف می‌رفتند تا از ثروتمندان و توانگران کمک بگیرند. کفشگری که ثروتی از گذشته برای او مانده بود، به مأموران حکومت گفت: «من این ثروت را به شما می‌بخشم به شرطی که فرزندم اجازه داشته باشد آموزش‌های مربوط به شغل دبیری^۲ را بیاموزد»:

یکی پور دارم رسیده به جای به فرهنگ جوید همی رهنمای
اگر شاه باشد بدین دستگیر که این پاک فرزند گردد دبیر
ز یزدان بخواهم همی جان شاه که جاوید باد این سزاوارگاه

در آن روزگار، دبیران طبقه‌ای ممتاز بودند که کارهای اداری و دفتری پادشاهان را انجام می‌دادند. این افراد، آموزش‌های ویژه‌ای می‌گذراندند و بعد از ایشان فقط فرزندانشان می‌توانستند این شغل را به دست بگیرند. در حقیقت، خانواده پادشاهان که اولین طبقه جامعه بودند، معتقد بودند که افراد معمولی ادب و تربیت لازم را برای معاشرت با آنان ندارند و فقط یک طبقه خاص به نام دبیران می‌توانند با آنها آمد و شد داشته باشند و کارهای دفتری و اداری آنان را انجام دهند. پادشاهان و درباریان وارد شدن یک فرد معمولی به طبقه دبیران را خلاف ادب و عدل تلقی می‌کردند. به همین جهت انوشیروان در جواب کسی که پیغام کفشگر را آورده بود، می‌گوید:

۱- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، ج ۲، صص ۱۱-۱۰ (سرزمین ایران در دوره ساسانیان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان بود و قلمرو بسیار وسیعی را در برمی‌گرفت، جمعیت آن هم بسیار زیاد بود.)

۲- در زمان ساسانیان مردم به چهار طبقه اجتماعی تقسیم می‌شدند که یکی از این طبقات، طبقه دبیران بود که کارهای اداری همچون محاسبه اموال، صدور احکام و قراردادهای... را انجام می‌دادند.

به ما بر پس از مرگ، نفرین بُود
 چو آیین این روزگار این بُود
 نخواهیم روزی جز از گنج داد
 درم زو مخواه و مکن هیچ یاد
 هم اکنون شتر بازگردان به راه
 درم خواه وَز موزه دوزان مخواه
 فرستاده برگشت و شد با درم
 دل کفشگر گشت پر درد و غم



امپراتوری روم با استبداد اداره می شد و مسیحیت تحریف شده را، دستاویز حکومت خود قرار داده بود. تبعیض های نژادی، انحطاط اخلاقی، تشکیلات اداری پیچیده و جنگ های پی در پی و طولانی مدت، این امپراتوری را به افول کشانده بود. مردم به چهار طبقه اشراف، شوالیه ها، طبقه متوسط و بردگان تقسیم می شدند.

این گزارش اجمالی، سیمایی از شرایط فرهنگی و اجتماعی قبل از اسلام بود. رسول خدا ﷺ آمد تا با همکاری و تلاش و همراهی مردم مقدمات تمدنی بر پایه معیارهای الهی و دینی را بنا کند. تمام رفتارهای پیامبر اکرم ﷺ منطبق بر همین معیارها و معرفی آنها به جامعه و مردم بود. البته پیامبر اکرم ﷺ واقعیت ها را می دانست و از میزان توانایی مردم و موانع پیش رو کاملاً آگاه بود. پیامبر ﷺ می دانست جامعه، که مجموعه ای از انسان های قوی و ضعیف، موافق و مخالف و مؤمن و منافق است، تا چه میزان او را همراهی خواهد کرد. از همین جهت، همواره جامعه را نسبت به عظمت مسئولیت های بزرگشان آگاه می کرد و گاه با شدت به آنان هشدار می داد.

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ
 وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ
 وَ لَا تَطْغَوْا
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

خداوند در این آیه از پیامبر اکرم ﷺ می خواهد که نه تنها خودش، بلکه جامعه را برای برقراری جامعه توحیدی و تمدن اسلامی به پایداری و استقامت در راه دعوت کند و به چنین مرحله ای از آمادگی برساند.

به این ترتیب، پس از پیامبر اکرم ﷺ در طول چند قرن، تمدنی پدید آمد که جنبه‌های مثبت فراوانی داشت و دستاورد بزرگی برای بشریت به‌شمار می‌آمد؛ گرچه جنبه‌های منفی غیرقابل انکاری هم در آن وجود داشت. در این درس با مروری اجمالی بر این تمدن می‌خواهیم مشخص کنیم که این تمدن تا چه اندازه به معیارهای تعیین شده از جانب خداوند نزدیک شده است.

گزارشی از تلاش مسلمانان صدر اسلام برای تحقق برخی معیارها

الف) تحکیم بنیان خانواده

در جامعه‌ای با آن فرهنگ منحط، پیامبر خدا ﷺ با رفتار و عمل خود بسیاری از سنت‌های جاهلی را نابود ساخت. رفتار ایشان با دخترشان، حضرت فاطمه ؑ برای جامعه آن روز و نیز امروز بسیار آموزنده است. او پیامبری بود که پسری برایش نمانده بود و فقط چهار دختر داشت که سه دختر بزرگ‌تر قبل از رحلت پیامبر ﷺ از دنیا رفته بودند و فقط کوچک‌ترین آنها که فاطمه ؑ بود، برای پیامبر باقی مانده بود. از این‌رو، برخی از اعراب، پیامبر را «ابتر» (بی‌دنباله) صدا می‌کردند تا تحقیرش نمایند. اما این پدر بزرگوار، همراه با دختر خردسالش، رسالت تغییر و انقلاب در نگرش انسان‌ها را برعهده گرفتند. فاطمه زهرا ؑ پس از رسول خدا ﷺ چشمه سار همیشه جاری خوبی‌ها و ارزش‌ها در جامعه اسلامی شد. قبل از او نیز، حضرت خدیجه ؑ که پشتیبانی صمیمی برای پیامبر ﷺ بود؛ ثروت فراوان و شخصیت اجتماعی خود را فدای تلاش‌های رسول خدا ﷺ کرد و نقش ممتاز خود را در شکل‌گیری بزرگ‌ترین تحول جهانی ایفا نمود.

به تدریج، رفتارهای پیامبر و تنها دخترش فاطمه ؑ جهت احیای ارزش‌های فراموش شده انسانی به بار نشست و فروریختن سنت‌های جاهلی آغاز شد. حضرت فاطمه ؑ وارث و ترویج‌کننده همهٔ مفاخر و ارزش‌هایی شد که پیامبر اکرم ﷺ به ارمغان آورده و پیامبران بزرگ الهی همچون نوح و ابراهیم ؑ و موسی ؑ و عیسی ؑ برای آنها مبعوث شده بودند.

خانهٔ فاطمه ؑ و خانهٔ پدر کنار یکدیگر بود. این دو خانه با یک حیاط خلوت دو متری از هم جدا می‌شد و دو پنجرهٔ روبه‌روی هم، خانهٔ پدر و دختر را به یکدیگر متصل می‌کرد. هر صبح پدر دریچهٔ پنجره را می‌گشود و به دخترش سلام می‌کرد. هرگاه قصد سفر داشت، به منزل فاطمه ؑ می‌رفت، و با او خداحافظی می‌کرد؛ و هرگاه نیز که از سفر برمی‌گشت، فاطمه ؑ اولین کسی بود که پیامبر ﷺ

به سراغش می‌آمد و حال او را می‌پرسید.^۱

مورخان گواهی داده‌اند که این پدر همواره دست دخترش را می‌بوسید^۲ و دربارهٔ او می‌فرمود:

– بهترین زنان جهان چهار تن اند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیها السلام^۳

– خداوند از خشنودی فاطمه خشنود و از خشمش به خشم می‌آید.^۴

– فاطمه پاره‌ای از تن من است، هر که او را بیازارد مرا آزرده است و هر کس مرا بیازارد، خدا را

آزرده است.^۵

در این خانواده، زنان، پایه پای مردان، تاریخ را رقم زده‌اند:

خدیجه علیها السلام حامی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله،

فاطمه علیها السلام همراه پدر و حامی بزرگ علی علیه السلام،

و زینب علیها السلام در کنار برادر و پیام‌رسان نهضت عاشورا.

در عین حال، این خانواده الگوی تمام عیار عفاف، حیا و پوشش اسلامی بودند تا به دیگر مؤمنین

بیاموزند که توجه به مقام و منزلت زن به معنی بی‌بند و باری، نگاه ایزاری به او، و یا به معنی هوس‌رانی

و متزلزل ساختن بنیان خانواده نیست.

با توسعهٔ سرزمین‌های اسلامی و شکل‌گیری حکومت‌هایی که دیگر پیامبر و یاران پیامبر را الگوی

خود قرار نمی‌دادند، بار دیگر برخی از رفتارهای جاهلی نسبت به زن پدیدار شد. حاکمان بنی‌امیه و

بنی‌عباس و بسیاری دیگر از حاکمان سرزمین‌های اسلامی با تشکیل حرمسرا، زنان زیادی را به دربار

خود آوردند، حقوق الهی آنان را نادیده گرفتند. با همه این احوال، موقعیت زن و خانواده در تمدن

اسلامی بسیار برتر از موقعیت زن در اروپا و سایر مناطق جهان بود^۶: زنان حق مالکیت و کار داشتند،

دسترنج آنها به خودشان تعلق داشت، در عین حال که وظیفهٔ هزینهٔ خانواده را بر عهده نداشتند، به همین

جهت می‌توانستند ثروت خود را وقف امور عام‌المنفعه کنند. بسیاری از موقوفه‌های قدیمی کشور ما

مربوط به زنان خیریه است که ثروت خود را وقف امور خیریه کرده‌اند.^۷

تحصیل برای زنان آزاد بود و دانشمندان بزرگی از زنان در جهان اسلام پیدا شدند که سابقه نداشت.

۱- مستدرک علی‌الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۸۴، ح ۴۸۰۲.

۲- أمالی، شیخ طوسی، ص ۴۰؛ مستدرک علی‌الصحیحین، همان، ج ۳، ص ۱۸۱، ح ۴۷۹۵.

۳- خصال، صدوق، ج ۱، ص ۲۲۵.

۴- أمالی، شیخ مفید، صص ۹۴ و ۹۵.

۵- مناقب، ابن‌شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸.

۶- در درس بعد به جایگاه زنان در تمدن غرب خواهیم پرداخت.

۷- زنان مسلمان از ۱۴۰۰ سال پیش حق مالکیت برای اموال خود را داشتند در حالی که اروپا در نیمه دوم قرن ۱۹ این حق را به زنان داد.

با اینکه در آن عصر و حتی تا همین دوره‌های اخیر در اروپا، زن را موجود درجه دوم تلقی می‌کردند، قرآن کریم، تلقی موجود درجه دوم بودن زن را به شدت نفی و با آن مبارزه کرد. البته با اینکه مسلمانان همچنان تحت تأثیر برخی اندیشه‌های خرافی دربارهٔ زن که از دورهٔ جاهلی باقی مانده بود، قرار داشتند؛ در عین حال تحول عظیمی نسبت به گذشته پدید آمده بود.

ب) رشد و بالندگی علم و فرهنگ

۱- رسول مکرم اسلام ﷺ روزی به یارانش فرمود: «کسی که دوست دارد نگاهش به چهرهٔ کسانی افتد که از آتش دوزخ در امان اند، به جویندگان علم بنگرد. سوگند به کسی که جان من در دست قدرت اوست، هر شاگردی که برای تحصیل علم (نه به قصد شهرت و نه برای تظاهر و تفاخر)، رفت و آمد کند، در هر گامی، ثواب و پاداش عبادت یک سالهٔ عابد برای او منظور می‌گردد؛ و برای هر قدمی که در این مسیر می‌نهد، شهر آبادی در بهشت برای او آماده می‌سازند. و زمین نیز برای او طلب آموزش می‌کند...»^۱

۲- یکی از ویژگی‌های فرهنگ علمی دورهٔ اسلامی عدم اختصاص علم به طبقه یا قشر خاص بود. در آن زمان، زنان به حضور رسول خدا ﷺ می‌رسیدند و سؤال‌های علمی خود را طرح می‌کردند. برخی از همسران رسول خدا ﷺ نیز جزو راویان حدیث به‌شمار می‌روند. زنان مدینه برای علم‌آموزی در کلاسی که حضرت فاطمه علیها السلام تشکیل داده بود شرکت می‌کردند. به این واقعه توجه کنید:

زنی نزد حضرت فاطمه علیها السلام آمد و گفت مادری دارم که در باب نماز سؤال‌هایی دارد؛ اما چون بیمار است، مرا نزد شما فرستاد تا آن سؤال‌ها را مطرح سازم. حضرت فاطمه علیها السلام به پرسش آن زن پاسخ داد. زن از این فرصت مناسب استفاده کرد و سؤال دیگری را مطرح ساخت. آن حضرت پاسخ آن را نیز بیان فرمود. همین‌گونه، آن زن پرسش‌های متعددی را در میان می‌گذاشت و حضرت زهرا علیها السلام، به تمام سؤالات جواب‌های لازم را می‌داد تا تعداد مسئله‌ها به عدد ۱۰ رسید. زن از کثرت سؤال‌ها احساس شرمندگی کرد و گفت: بیش از این مزاحم شما نمی‌شوم.

صدیقه کبری علیها السلام، در حالتی که نشان می‌داد هیچ متنی بر او ندارد، فرمود: «هر سؤالی که به نظرت می‌آید، بپرس.» سپس برای تشویق وی فرمود: «اگر فردی در مدت یک روز باری سنگین را به دوش کشیده، آن را به بالای بام حمل کند و در ازای آن حق الزحمه‌ای معادل هزار سکه طلا دریافت کند، با توجه به این مزد، آیا آن کار برای او سخت خواهد بود؟»

۱- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمهٔ منیة المرید شهید ثانی، نگارش سید محمدباقر حجتی، ص ۵۵

پاسخ داد: خیر.

فرمود: «من هم کارگزارم و خود را خادم خداوند قرار داده‌ام. مزد من در برابر هر سؤالی که پاسخ دهم، از مجموع مرواریدهایی که فاصله میان زمین و آسمان را پر کند، بیشتر است. پس سزاوار است که از پرسش‌های تو احساس رنج و زحمت نکنم.»^۱

تلاش پیامبر اکرم ﷺ و پیشوایان دینی سبب علاقه مسلمانان به علم و دانش شد، به طوری که توجه به اندیشه و تفکر و ارزشمندی علم روزافزون شد و ثمرات آن در تمدن اسلامی مشاهده گردید. مثلاً نیاکان ما در جهان اسلام توانستند علوم و دانش بشری را از چند شاخه محدود به پانصد شاخه برسانند^۲. و این، به معنای توسعه زیاد علم بود که ناچار بودند آن را شاخه شاخه کنند و به صورت تخصصی بدان بپردازند. شوق و علاقه آنان به دانش سبب شد که در بسیاری شهرها در کنار هر مسجد، مدرسه‌ای نیز بنا کنند^۳، در آن روزگار، دانشجویان اروپایی برای تحصیل به دانشگاه‌های اسلامی می‌شتافتند و پادشاهان آنان، برای معالجه به بیمارستان‌های مسلمانان مراجعه می‌کردند.

در امور مربوط به بهداشت و سلامت، وضع مسلمانان بسیار درخشان بود؛ اگر شرایط قبل از اسلام و اوضاع آن دوره را در اروپا که هنوز حتی با حمام آشنا نبودند مورد توجه قرار دهیم، درمی‌یابیم که چگونه دستورات ساده‌ای مانند وضو و غسل و دیگر آموزه‌های بهداشتی اسلام مانند طهارت و نجاست و نیز دستورات پیشوایان دین در مورد سلامتی و درمان^۴، دنیای اسلام را متحول کرد.

۳- امیرمؤمنان علی علیه السلام، که نهج البلاغه‌اش نشان خردورزی و احترام به تفکر و تعقل است، فرمودند: «ای مردم! هشیار باشید که کمال دین‌داری دانش‌آموختن و عمل بر مبنای علم است.» سپس فرمودند: «منزلت عالم و دانشمند، والاتر از کسی است که با کوشش، روزها را به روزه می‌گذراند و شب‌ها را به عبادت سپری می‌سازد.»^۵ «اگر مرگ عالم و دانشمندی فرا رسد، شکستی در اسلام پدید می‌آید که جز به وسیله دانشمندی دیگر قابل جبران نیست.»^۶

۴- امام رضا علیه السلام حدیثی مفصل در ارزش علم از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که قسمتی از آن چنین است: «اگر آموختن دانش با هدف الهی همراه باشد، کار نیک (حسنة) تلقی می‌شود.

۱- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه منیة المرید شهید نانی، ص ۷۴

۲- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان مسیحی، ج ۳، ص ۲۶۴

۳- فجرالاسلام، احمد امین، ج ۱، ص ۱۴۲.

۴- برخی از این دستورات در مجموعه‌هایی مانند «طب الصادق» و «طب‌الرضا» گردآوری شده‌اند.

۵ و ۶- کافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۵

علم آموزی، عبادت است و مذاکره علمی، تسبیح و تقدیس پروردگار. و عمل و رفتار هماهنگ با علم، جهاد در راه خداست ... فرشتگان، شیفته دوستی با دانشمندان اند و با درود و تحیات خویش به آنان تهنیت می گویند...»^۱

برنارد شاو، نویسنده معروف انگلیسی در این باره می گوید: «من همیشه نسبت به دین محمد ﷺ به واسطه حیات شگفت انگیزش نهایت احترام را گذاشته ام. به نظر من، اسلام تنها مذهبی است که توانایی تسلط بر حالات گوناگون و متغیر زندگی، و مواجهه با آنها را دارد.»^۲

ج) توجه به عدالت و حقوق مردم

برقراری عدالت از اهداف رسالت پیامبر ﷺ و از مهم ترین معیارهای تمدن اسلامی شمرده می شود، به همین دلیل پیامبر اکرم ﷺ مردم را به عدالت در همه ابعاد آن دعوت می فرمود که به مواردی از آن اشاره می شود:

۱- یکی از ابعاد عدالت، عدالت اقتصادی است که قرآن کریم تفاوت انسان دین دار و بی دین را در آن دانسته و فرموده است:

أَرَأَيْتَ الَّذِي
يُكَذِّبُ بِالذِّينِ
فَذَلِكَ الَّذِي
يَدْعُ الْيَتِيمَ
وَلَا يَحْضُ
عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ^۳

۲- رسول خدا ﷺ به مردم می فرمود:

«برترین جهاد، سخن حقی است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد.»^۴

۳- رستم فرخزاد، فرمانده سپاه یزدگرد، آخرین شاه ساسانی، در راه جنگ با مسلمانان بود. وی که مردی جهان دیده و با تجربه بود، در قادسیه با طلایه داران سپاه مسلمانان برخورد کرد. شب هنگام، سوار بر اسب، روی تپه ای رفت و به ارزیابی آن لشکر پرداخت. با وجود اینکه لشکر مسلمانان از نظر عده و تجهیزات اندک بودند، در قلب خویش اضطراب عجیبی احساس می کرد. از تپه فرود آمد

۱- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، همان، ص ۶۰.

۲- برنارد شاو (به نقل از کتاب خداپرستی و افکار روز، مهدی بازرگان).

۳- سوره ماعون، آیات ۱ تا ۳.

۴- میزان الحکمة، محمد محمدی شهری، ج ۱، ص ۶۵۶ به نقل از کنز العمال، متقی هندی، حدیث ۴۳۵۸۸.

و بیکی سوی زهره بن عبدالله، فرمانده آن لشکر، فرستاد و وی را به مذاکره دعوت کرد. فرمانده آمد و سخنانی میانشان رد و بدل شد.

رستم پرسید: درباره دین خود سخن بگوی.

جواب داد: پایه دین ما دو چیز است: گواهی به یگانگی خدا و رسالت محمد ﷺ.

رستم گفت: اینکه عیبی ندارد؛ خوب است، دیگر چه؟

زهره ادامه داد: آزاد ساختن بندگان خدا از بندگی انسان‌ها به سوی بندگی خداوند.^۱

رستم گفت: این هم خوب است، دیگر چه چیزی؟

زهره گفت: مردم همه از یک پدر و یک مادر زاده شده‌اند و همه برادر و خواهر یکدیگرند.

رستم گفت: این نیز خیلی خوب است. اگر ما اینها را ببندیم، شما باز خواهید گشت؟

پاسخ داد: آری، قسم به خدا به سرزمین‌های شما دیگر قدم نخواهیم گذاشت، مگر برای تجارت.

رستم گفت: راست می‌گویی، اما در میان ما مردم ایران، سنتی از زمان اردشیر رایج شده که با دین

شما سازگار نیست. کشاورز و پیشه‌ور حق ندارند به طبقه بالاتر روند و از امتیازات آن برخوردار

شوند. اگر این طبقات در ردیف اشراف قرار گیرند، پا از گلیم خود درازتر خواهند کرد و با اعیان و

اشراف به ستیز برخوانند خواست.

زهره گفت: ما نمی‌توانیم مثل شما باشیم. ما عقیده داریم که باید امر خداوند را در مورد همه طبقات

رعایت کنیم. همه مردم از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند و همه با هم برادر و برابرنند.^۲

برداشت

با توجه به مطالب فوق، گزارش زیر را بخوانید و به سؤال‌هایی که در پایان مطرح شده، پاسخ دهید. (محتوای این گزارش فقط برای پاسخ به سؤال‌های پایانی است و نیازی به حفظ کردن آنها نیست و در هیچ امتحانی نباید از آنها سؤال شود).

فرهنگ سیاسی قدرتمندی که از تعالیم روح‌بخش اسلام نشأت گرفته بود، حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس را ناچار به ظاهرسازی و مراعات برخی قوانین می‌کرد. آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم، وجود شخصیت‌های اندیشمند در جامعه و طرح مباحث عمیق اجتماعی، فضای سیاسی جهان اسلام را از دیگر کشورهای آن روز کاملاً متمایز می‌کرد.

۱- اخراج العباد من عبادة العباد الی عبادة الله.

۲- کامل، ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۱۹ تا ۳۲۱ (به نقل از کتاب داستان راستان).

این فرهنگ قوی توانست سرزمین‌های بزرگی مانند ایران، عراق، مصر، شام، عربستان، یمن، آسیای میانه، بخش‌های وسیعی از آفریقا و بخش‌هایی از اروپای شرقی را به صورت یکپارچه درآورد و در قالب حکومت واحد، در چند قرن اداره کند. آنچه که در ابتدا قلب مردم سرزمین‌هایی مانند ایران را به اسلام پیوند داد، عدالت اسلامی بود که متأسفانه حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس مسیری در جهت خلاف آن پیش گرفتند. این شیوه حکومت‌داری به تدریج به جدایی مردم از حکومت انجامید و حکومت مرکزی، اقتدار خود را از دست داد. در گوشه و کنار کشور پهناور اسلامی، حکومت‌های محلی سربرآوردند که یا با حکومت مرکزی و یا با خودشان درگیر بودند. نتیجه این نابسامانی‌ها، خستگی و درماندگی مردم مسلمان و کاهش انگیزه‌های آنان برای جهاد و دفاع از قلمرو اسلامی شد.

همین خستگی‌ها و کاهش انگیزه‌ها، به تدریج زمینه‌سازی بی‌توجهی به تفکر و تعقل و همچنین بسته شدن بسیاری از مراکز علمی و منزوی شدن شخصیت‌های ادبی، هنری و علمی گردید.

دو تهاجم بزرگ: در چنین شرایطی و در اواخر دوره بنی‌عباس و پس از آن، دو حمله وسیع و ویران‌کننده، یکی به غرب دنیای اسلام و دیگری به شرق آن صورت گرفت. امپراتوری روم به تحریک کلیسا از سال ۴۸۹ هجری (۱۰۹۶م) به قسمت غربی دنیای اسلام، یعنی سوریه، فلسطین، ترکیه و برخی دیگر از سرزمین‌های مجاور هجوم آورد. این تهاجم آغاز هشت جنگ طولانی و شدید بود که آخرین آن در سال ۶۶۸ هجری (۱۲۷۰م) رخ داد. این جنگ‌ها که به قصد فتح بیت‌المقدس از طرف اروپاییان آغاز شد، بالاخره با فرماندهی بی‌نظیر سردار بزرگ مسلمانان به نام صلاح‌الدین ایوبی با پیروزی مسلمانان پایان یافت؛ اما بسیاری از امکانات مادی و معنوی دنیای اسلام را از بین برد. از آنجا که در این جنگ‌ها اروپاییان صلیب با خود حمل می‌کردند، این جنگ‌ها را **جنگ‌های صلیبی** می‌نامند.



تهاجم ویرانگر دیگر، حمله مغولان به بخش شرقی و مرکزی دنیای اسلام بود که به تصرف قسمت‌های وسیعی از جمله ایران انجامید. با اینکه مغولان حاکم بر ایران بعداً به وسیله ایرانیان، مسلمان شدند و آداب تمدن آموختند، اما ویرانگری‌های ابتدایی آنان به قدری وسیع و عمیق بود که توان تجدید حیات را برای مدتی طولانی از مسلمانان گرفت؛ به خصوص که بیشتر این حملات به سرزمین‌ها و شهرهایی بود که مرکز علم، فرهنگ و

دانش در دنیای آن روز بودند. چنگیز فرمانروای قوم مغول، به نیروهایش گفته بود به هر شهری که می‌رسند، هیچ کس را باقی نگذارند؛ مرد و زن، پیر و جوان، کودک و بالغ، آزاد و بنده را بکشند.^۱

خوارزم، گل زیبای ماوراءالنهر نام داشت و سرشار از بناهای باشکوه، باغ‌های زیبا، نهرهای روان، ثروت و نعمت، و مشهور به وفاداری به دین بود. مغولان، محله به محله و خانه به خانه آن را سوزاندند. و آتش‌سوزی تا هفت روز ادامه داشت. مردم را به صحرا بردند و پس از جدا کردن افراد مورد نیاز و به اسیری بردن آنان، بقیه مردم را که هزاران نفر می‌شدند، به قتل رساندند.

شهر بلخ، دیگر شهر زیبای جهان اسلام بود. درآمد آن با شهر مکه که زیارتگاه همه مسلمانان بود مقایسه می‌شد. مغولان، این شهر را تصرف کردند، مردم را در دسته‌های صد تا هزار نفری به صحرا راندند و همه را از دم تیغ گذراندند؛ سپس کتابخانه‌ها، کاروان‌سراها، قلعه‌ها، قصرها و تمامی بناها را به توده‌ای از خاک تبدیل کردند.

نیشابور، ابر شهری بود با چهار دروازه و چهل و دو محله، برخی از محلات آن برابر با برخی از شهرهای متوسط امروزی بود. یکی از نویسندگان، آن را به زُهره آسمان و یا چشم در چهره، تشبیه کرده بود. مردم شهر، پس از مقاومت‌های شدید، در برابر مغولان، شکست خوردند. داماد چنگیز، تمام مردم و جانداران شهر، حتی سگ‌ها و گربه‌ها را قتل عام کرد. سپس دستور داد شهر را چنان ویران کنند که بتوانند روی آن کشاورزی نمایند.

این ویرانگری‌ها در بسیاری از شهرهای دیگر مانند سمرقند، مرو، کابل، غزنین، قوچان، هرات، دامغان، سمنان و آمل اتفاق افتاد و سپس به استان‌های دیگر سرزمین اسلامی کشیده شد.^۲

سؤال: با توجه به اطلاعاتی که در این قسمت داده شد، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- با وجود عملکرد نادرست حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، چه عواملی سبب شد که تمدن اسلامی تا مدت‌های طولانی پویایی خود را حفظ کند؟
- ۲- برخی از علل تضعیف تمدن اسلامی چه بود؟

۱- مجمع‌الانساب، محمدعلی شبانکاره‌ای، ص ۲۳۴.

۲- پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۳، صص ۸۰ تا ۸۷.

دانش تکمیلی

برای آشنایی با برخی از علل افول تمدن اسلامی به سایت گروه قرآن و معارف اسلامی، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

هم‌اندیشی

برای اینکه ما مسلمانان بتوانیم بار دیگر تمدن اسلامی را احیا کرده، به جایگاه مناسب خود در جهان برسیم، چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-

بیشتر بدانیم

امروزه، کم و بیش با داستان‌های علمی تخیلی، مانند داستان‌های ژول ورن، جان کریستوفر، لسترلد ری و ایزاک آسیموف آشنا هستیم. این داستان‌ها نشانه روحیه علمی و اشتیاق فراوان برای رسیدن به کشفیات علمی جدید بوده است.

برخی از همین داستان‌ها، زمینه چنین کشف‌هایی بوده‌اند. این داستان‌ها تفاوت زیادی با داستان‌های افسانه‌ای دارند؛ در این داستان‌ها راه‌حل‌های علمی که هنوز تجربه نشده، پیشنهاد می‌شود، نه راه‌حل‌های جادویی و غیرممکن؛ مانند زیردریایی‌های کنونی که قبلاً در داستان‌های علمی مطرح شده بود.

روحیه علمی مسلمانان سبب شده بود که آنان نیز به این گونه داستان‌ها بپردازند و بیست‌سال داستان علمی تخیلی درباره هواپیما باشند. طرحی که گرچه ساده است اما کاملاً از علم مکانیک کمک

می‌گیرد و در بردارنده این پیام است که با توسعه علم مکانیک می‌توان به هواپیما رسید. در داستان «پادشاه و شاهزاده خانم» که قصه‌های ۲۲ تا ۲۹ کتاب «هزار و یک‌شب» را شامل می‌شود، صندوق پرنده‌ای به شکل کبوتر و با بال‌های باز ساخته می‌شود که درازای آن حدود سه متر و پهنای آن حدود چهار متر است؛ بال دارد و چرخ‌ها و فنرهایی در آن به کار رفته است. در آن می‌نشینند، آن را به کار می‌اندازند و به پرواز درمی‌آورند. در این کتاب می‌خوانیم: «روز ششم که کار صندوق به پایان رسید، آن را با یک قالی ایرانی فرش کردند و به صحرا بردند. چون سازنده صندوق در آن نشست، فتری را به حرکت درآورد. دستگاه بلافاصله از زمین بلند شد و با سرعتی باورنکردنی هوا را شکافت و بالا رفت.

سازنده طرز کار آن را به شاه چنین آموخت: «اگر این پیچ را به طرف راست بگردانید، به جانب راست خواهید رفت و با گرداندن آن به طرف چپ، به جانب چپ حرکت خواهید کرد. با بالا بردن این فنر، به سمت بالا اوج می‌گیرید و با پایین آوردن آن، فرود خواهید آمد».

بعد از پرواز، پادشاه احساس خود را چنین بیان می‌کند: «صندوق کاملاً در اختیار من بود و هرگونه که می‌خواستم حرکت می‌کرد.» سرعت آن از باد بیشتر بود. این هواپیما کاربردهای مختلف داشته است. در یک داستان، برای عبور از دیوارهای بلند کاخ از آن استفاده شده و در داستان دیگری برای سنگباران کردن دشمن از آن بهره گرفته‌اند.

بارون کارا دووو، نویسنده فرانسوی می‌گوید: «پیش‌بینی درباره اختراعی که باید در آینده صورت بگیرد، از این بهتر نمی‌شود. از توجه به این گونه داستان‌ها در تاریخ علم نباید غفلت شود. در این داستان‌ها اندیشه در جست‌وجوی پیشرفت و تخیل پیش از واقعیت آشکار است و نشان‌دهنده میل شدید ذهنی آدمی است، که راه اکتشافات آینده را هموار می‌کند.»^۱

باور کنیم رجعت سرخ ستاره^۲ را

میعاد دستبرد^۳ شگفتی دوباره را

باور کنیم رویش سبز جوانه را

۱- متفکران اسلام، بارون کارادووو، جلد اول از بخش دوم، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

۲- منظور از ستاره، حضرت مهدی علیه السلام است.

۳- هنرنمایی.

ابهامِ مردخیزِ غبارِ کرانه را
باورکنیم ملک خدا را که سرمد است
باورکنیم سگّه به نام محمد ﷺ است
راوی به فتح، فتح نمایان به آسمان
راوی به تین و زیت به افسانهٔ زمان^۱
راوی بخوان به خواندن احمد ﷺ در اعتلا
بر بام آسمان، شب معنا، شب «حرا»
راوی بخوان که افسر سیارگان مه است
راوی بخوان که مهدی موعود ﷺ در ره است^۲

۱- کلمات فتح، آسمان، تین، زیت و افسانهٔ زمان اشاره به عبارت‌های قرآنی اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحِ، وَ السَّمَاءِ وَ التِّينِ وَ الزَّيْتُونِ وَ الْعَصْرِ دارد. افسانه در اینجا به معنی امر عظیم و شگفت است.
۲- رجعت سرخ ستاره، علی معلم.